

[مقدمه واجب 1](#_Toc23757813)

[واجب معلق 1](#_Toc23757814)

[جریان واجب معلق و شرط متاخر در واجبات تدریجیه موقت و غیر موقت 1](#_Toc23757815)

[رجوع شرط متاخر به شرط مقارن 2](#_Toc23757816)

[تدریجی بودن فعلیت وجوب در واجبات تدریجی 2](#_Toc23757817)

[جواب اول: اخص از مدعا بودن جواب مرحوم نائینی 3](#_Toc23757818)

[جواب دوم: خلاف ارتکاز بودن رجوع شرط متاخر به شرط مقارن و تدریجی بودن فعلیت وجوب 3](#_Toc23757819)

[عدم اختصاص واجب معلق به قیود غیر مقدور 4](#_Toc23757820)

**موضوع**: واجبات تدریجیه /واجب معلق /مقدمه واجب

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد استحاله واجب معلق بود. مرحوم نائینی فرمود: واجب معلق محال است و استاد سه جواب را در این رابطه مطرح فرمودند. بعد وجه چهارمی از جانب مرحوم آخوند مطرح شد که مرحوم آخوند جواب دادند. بحث دیگری که مطرح شد این بود که آیا امکان واجب معلق مترتب بر امکان شرط متاخر است یا نه؟ استاد فرمود: اشکال استحاله شرط متاخر در واجب معلق مطرح نیست.

# مقدمه واجب

## واجب معلق

### جریان واجب معلق و شرط متاخر در واجبات تدریجیه موقت و غیر موقت

مرحوم نائینی[[1]](#footnote-1) که از منکرین شرط متاخر است و تبعا منکر واجب معلق هستند، اشکالی در واجبات تدریجیه مطرح می­کند. ایشان می­فرماید در واجبات تدریجیه موقته و غیر موقته شرط متاخر و واجب معلق را باید بپذیریم. زیرا در واجبات تدریجیه موقته مانند صوم( امساک آنا فآنا از طلوع شمس تا غروب) که یک وجوب دارد و از اول طلوع فجر وجوب فعلی است (و این مطلب قابل انکار نیست) در حالی که وجوب مشروط به شرائط تکلیف است. مثلا باید تا غروب حیات و عقل مکلف باقی بماند. پس باید گفته شود که وجوب مشروط به حیاتی است که بعدا به وجود می­آید. هر چند که حیات و عقل و بلوع در آن اول، شرط مقارن است ولی در آنات بعدی شرط متاخر است.

از طرفی آنات بعدی به همین طلب واحد، الان مطلوب هستند. امساک از اول طلوع تا غروب مطلوب است در حالی که هنوز آنات بعدی نیامده است و نسبت به آنات بعدی واجب معلق است. یا مثلا اول زوال وجوب چهار رکعت به گردن مکلف آمد. این وجوب مشروط به شرطی است تا آخر عمل لازم است. یک وجوب واحد به تمام نماز تعلق گرفته است و اجزاء بعدی وجوب دارند در حالی که هنوز نیامده اند. پس وجوب فعلی نسبت به اجزاء بعدی وجود دارد ولی واجب بعدا می­آید. پس واجب معلق وجود دارد.

در ادامه فرموده است که نسبت به واجبات غیر موقته این مشکله نیز جاری است. مثلا نماز در وقت مشترک( فقط به اندازه چهار رکعت اول وقت و وقت مختص وجود دارد) وجوب دارد حتی نسبت به جزء اخیر. در حالی که باید تا آخر وقت شرایط وجود داشته باشند. پس هم واجب معلق و هم شرط متاخر در شریعت داریم.

#### رجوع شرط متاخر به شرط مقارن

در تدریجیات موقته ( که مشکلش اصعب است. زیرا زمان در آن ها اخذ شده است و جزء اخیر نیز واجب است و واضح است که شرط متاخر و واجب معلق جاری است) حلش به این است که شرط، مقارن است. تعقب که یک عنوان انتزاعی است شرط است. مثلا وجوب بر امساک از طلوع تا غروب مترتب شده است. در این جا شرط وجوب حیات آتی نیست بلکه شرطش تعقب به حیات است که الان تعقب وجود دارد. صومی که متعقب به این شرایط است وجوب دارد و تعقب هم مقارن با فعلیت وجوب است. پس شرط متاخر به شرط مقارن رجوع می­کند.

#### تدریجی بودن فعلیت وجوب در واجبات تدریجی

نسبت به واجب معلق هم گفته می­شود: اگر وجوب امساک از طلوع تا غروب، الان بود واجب معلق بود. اگر وجوب این مجموعه الان باشد واجب معلق است. اما در واجبات موقته تدریجه همان طوری که فعل تدریجی است وجوب هم تدریجی است. آن اول طلوع فجر قسمتی از وجوب امساک می­آید و هکذا. محال است که حکم قبل از موضوع فعلی بشود. زمان موضوع است و مفروض الوجود است. حال که چنین مشکلی وجود دارد پس گفته می­شود این وجوب نیز مقارن موضوعش فعلی می­شود. آرام آرام با تحقق زمان، وجوب هم فعلی می­شود. هر زمانی که فعلی می­شود به تبعش در همان زمان وجوب فعلی می­شود. پس این گونه نیست که الان وجوب فعلی باشد و واجب در آینده باشد. یک طلب مستمر در آنات وجود دارد.

اما در واجبات تدریجیه غیر موقته نیز گفته می­شود: اساسا در این جا مشکلی وجود ندارد. زیرا شارع در این موارد وقت را اخذ نکرده است پس مشکل شرط متاخر و واجب معلق مطرح نیست. تنها مشکلی که وجود دارد مشکل قدرت است که آن هم قابل حل است. مثلا شارع گفته است در نماز چهار رکعتی همان طوری که بر تکبیرة قدرت وجود دارد، به تدریج با گذراندن محل تکبیره، قدرت بر انجام دیگر اجزاء وجود دارد. هر چند که قدرتی که نسبت به تکبیرة وجود دارد قدرت بدون واسطه است و قدرتی که به اجزاء دیگری وجود دارد با واسطه است.

##### جواب اول: اخص از مدعا بودن جواب مرحوم نائینی

همان طوری که مرحوم خویی در تعلیقه اجود فرموده است[[2]](#footnote-2)، فرقی بین تدریجیات موقته و غیر موقته نیست. هر چند که در موقته خود شارع توقیت کرده است و شبهه شرط متاخر قوی تر است ولی نسبت به سائر شرائط فرقی وجود ندارد. در واجبات غیر موقته که وجوبش الان فعلی است و جای تدریج نیست، مشکله هنوز باقی است. یعنی وجوب نسبت به چهار رکعت باقی است با این که حیات و بلوغ و عقل تا اخر عمل لازم است. با این که زمان جزء اخیر نیامده است ولی وجوبش فعلی است. هر چند که قدرت وجود دارد ولی زمانش هنوز نیامده است. پس واجب معلق هنوز محقق است.

##### جواب دوم: خلاف ارتکاز بودن رجوع شرط متاخر به شرط مقارن و تدریجی بودن فعلیت وجوب

اما حلی( بحث تعقب و تدریجی بودن فعلیت وجوب) که مرحوم نائینی مطرح کردند، به نظر ما عرفیت ندارد و خلاف ارتکاز است. واضح است که این حل باطل است. اول طلوع فجر وجوب مجموع، فعلی شده است. نه این که آنا فآنا وجوب فعلی بشود. بهتر این بود که مرحوم نائینی با این مثالهایی که مطرح شد، مبنای خودش را انکار کند.

به عبارت دیگر، خلاف ارتکاز بودن حل مرحوم نائینی منشا بشود که شبهه ای که در مورد واجب معلق و شرط متاخر وجود داشت، از بین برود. پس مطالبی که در مورد انکار واجب معلق و شرط متاخر بود، شبهه بوده است و اشکال بر واجب معلق و شرط متاخر نیست. وجوب متدرج داشتن بعید است و ارتکاز ما اصلا این مطالب را قبول نمی­کند.

نتیجه: واجب معلق و شرط متاخر بمکان من الامکان است و هیچ وجهی ندارد که از ظاهر خطابات رفع ید کنیم.

#### عدم اختصاص واجب معلق به قیود غیر مقدور

ظاهر کلام مرحوم آخوند[[3]](#footnote-3) این است که اشکال دیگری بر مرحوم صاحب فصول می­خواهد مطرح کند. بیان مطلب این است: این که صاحب فصول واجب معلق را به امر غیر مقدور مقید کرد درست نیست. زیرا قوام واجب معلق مقید به امر غیر مقدور بودن نیست. بلکه قوام واجب معلق این است که وجوب الان باشد و واجب در آینده باشد. چه این که واجب مقید به امر مقدوری باشد یا غیر مقدور باشد مانند حج که مقید به زمان است.

قید مقدوری که در واجب اخذ شده است نیز دو گونه است:

1. به گونه است که تحصیل آن واجب است.
2. به گونه است که تحصیل واجب نیست.

اگر شارع گفت: صلات با طهارت واجب است، قید واجب التحصیل است. اگر شارع گفت صلات رو به قبله علی سبیل الاتفاق واجب است، تحصیلش واجب نیست. هر چند که بعضی از نسخه ها این توسعه را ندارد[[4]](#footnote-4). ظاهرا توسعه بهتر است. زیرا از تعلیل مرحوم آخوند این مطلب به دست می­آید. زیرا ایشان فرموده است: مهم این است که وجوب فعلی باشد و واجب در آینده باشد. قیدش مهم نیست یا مقدور است و یا غیر مقدور باشد. مقدور هم واجب التحصیل باشد یا نباشد. پس تعلیل مرحوم آخوند مناسب با همین توسعه است.

اما اشکال مرحوم آخوند به صاحب فصول وارد نیست. زیرا صاحب فصول در آخر بحثش به این مطلب تذکر داده است که گاهی اوقات، قید در واجب معلق مقدور است.

در ادامه می­فرماید: اگر گفته شود که وجوب هست و مشروط به زمان متاخر است باز هم وجوب فعلی است اما از واجب معلق خارج می­شود و واجب مشروط است. یعنی در واجب معلق مهم این است که وجوب حالی باشد و حالی بودن وجوب به نحو شرط متاخر نیز ممکن است.

1. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص145.](http://lib.eshia.ir/10057/1/145/کیف) [↑](#footnote-ref-1)
2. [اجود التقریرات، نائینی، ج1، ص147.](http://lib.eshia.ir/10057/1/147/یخفی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص103.](http://lib.eshia.ir/27004/1/103/ثم) [↑](#footnote-ref-3)
4. در نسخه مرحوم مشکینی این گونه آمده است: «في النّسخ التي رأيناها قد سقط كلمة «لا»، و عطف عليه قوله: «أو لا»، و لكن قال‏الأستاذ: إنّ النسخة مغلوطة، و الصحيح ثبوت كلمة «لا» و عدم كلمة «أو لا»، و هو قد كان حافظا لمطالب المصنّف و عالما بمذاقه، و مع ذلك يدلّ عليه أن‏ ظاهر «الفصول» «2» كون المعلّق الواجب الّذي يكون مقيّدا بقيد بوجوده الاتّفاقي لا بوجوده المطلق، و ظاهر المصنّف عدم خروجه عن الاصطلاح من هذه الجهة، بل من جهة عدم تعميمه للمقدور لفهمه من صدر عبارته أنّ المعتبر عنده كونه غير مقدور.» حاشیه مشکینی ج 1 ص 517

   عبارت کفایه: بل ينبغي تعميمه إلى أمر مقدور متأخر أخذ على نحو يكون موردا للتكليف و يترشح عليه الوجوب من الواجب أو لا.

   اختلاف است که در کفایه، کلمه (لا) قبل از (یکون) است و عبارت (أو لا) در انتهای عبارت، وجود ندارد، یا این که کلمه (لا) قبل از (یکون) وجود ندارد و در عوض، (أو لا) در انتهای عبارت، نوشته شده است. نظر استادِ مرحوم مشکینی (مرحوم قوچانی) بر این است که دومی درست است. [↑](#footnote-ref-4)